

بن دوم امید ها و یأس ها!

آنگاه که در پی حادثه هولناک و بهم پیوسته یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی بحران کشور ما با بحران جهانی گره خورد، سایر ملت های دنیا غم شریک ملت ما شدند و در سحرگاهی که اشعه های زرین خورشید، فضای مه آلود شهرین را در می نوردید، طومار جنگ تحمیلی ۲۳ ساله در افغانستان نیز در هم می پیچید، و سنگ بنای تحولی گذاشته می شد که برای اسلام آباد خوشایند نبود و به آن مضطربانه نگاه می کرد و مردمان سایر کشور های دنیا نیز ناباورانه به آن می نگریستند که ناگهان موافقتنامه تاریخی «بین» در ماه قوس ۱۳۸۰ برابر دسمبر ۲۰۰۱ میلادی تحت نظارت و ضمانت سازمان ملل متحد و جامعه بین المللی از طرف شخصیت های مهم سیاسی و نظامی و جناح های مختلف سیاسی افغانستان که طرفدار اعاده صلح و آسایش در کشور بودند، به امضا رسید، این پیش آمد عظیم، مردم دنیا را شگفت زده و ملت افغانستان را که غرق در اندوه و ناامیدی بودند، سرشار از شادی و امید ساخت.

و پس از تشکیل اداره وقت حکومت داری مدرن در افغانستان مورد استفاده قرار گرفت و در فیصله نامه کنفرانس بن هم عناصری از حکومت داری مدرن (دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون) ذکر شده بود. اما متأسفانه که در این کنفرانس بر ساختار ها، شیوه های اجرایی حکومت داری، طریقه ها و طرح های مشخص مدیریتی چیزی نیامده بود. کنفرانس بن که در نخستین روزهای زوال نظام طالبانی در شهر بن آلمان برگزار گردید بیشتر بر محور تقسیم قدرت سیاسی می چرخید. و در کل گفته می توانیم که شرکت کننده گان این کنفرانس از کسانی بودند که در قضایای کشور از گذشته و حاضر به نحوه دخیل بودند. بنابراین کمتر توجه ای بر مشکلات مدیریتی قدرت سیاسی در کشور نشد.

جامعه بین المللی که از بازی گران اصلی کنفرانس بن بود در گزینش شرکا دچار لغزش گردید و شرکا خود را از میان کسانی برگزید که مردم افغانستان نسبت به آنها به دیده بی اعتمادی می نگریستند و این مسأله باعث شد تا روحیه مردم که در نتیجه توجه جامعه بین المللی و کشور های بزرگ جهان شکل گرفته بود به یأس مبدل گردد.

از سوی دیگر افراد برگزیده شده از سوی جامعه بین المللی در کشور اصلاً بر مواد مندرجه کنفرانس بن خود بی اعتنا بودند چه رسد به اینکه در تطبیق آن تلاش نمایند. آنها به دموکراسی ارزشی نه تنها قابل نبودند بلکه مخالف سرسخت آن بودند و بار ها تناقض گویی ها را میان جامعه بین المللی و ساختار جدید افغانستان باعث گردید. همچنان خواستند ارزش های مانند حقوق بشر، حاکمیت قانون و جامعه مدنی را توسط ناقضین این ارزشها که هیچ گونه باورمندی به این ارزش ها نداشتند، پیاده کنند. این طرح نامیومون نه تنها هیچ مفادی برای مردم و دولت افغانستان نداشت بلکه مواد مندرجه کنفرانس را هم به مشکل کشاند.

با در نظر داشت ترکیب فوق و گذشت چندین سال از حکومت موقت، حکومت انتقالی، تدویر لوی جرگه، تدویر انتخابات ریاست جمهوری و بالاخره تدویر انتخابات شورا های محلی و انتخابات هر دو جرگه شورای ملی که از طرف دولت افغانستان و مسئولین دخیل بیرونی مورد تائید قرار گرفت، انتظار میرفت که اوضاع روز تا روز بهبود یابد ولی برعکس اوضاع روز تا روز وخیم تر شده رفت.

هر اندازه ای که کشور های دخیل بین المللی و خاصاً ایالات متحده آمریکا تلاش کردند و می کنند نتیجه مثبت بدست نمی آید. زیرا ساختار سیاسی دولت البته تعداد زیاد آن از لحاظ ترکیب خود در تضاد با اعمار یک جامعه مدنی بوده و با آن هیچگونه علاقه مدنی و دلچسپی ندارند. عده ای هم در حال تحکیم مواضع و برنامه های شخصی و یا گروهی خود بوده و با چگونگی مسایل امنیتی و ثبات کشور در قدم اول کار خود نمی نگرند و هیچ نوع اولویت نزدشان ندارد، بلکه آنچه برایشان مهم است موقف شخصی و یا تحکیم موقف گروهی شان بوده و از موجودیت خود برای رشد

جوانب مختلف امورات خود و حلقه مربوط شان در تلاش اند. جنگ وجود دارد، مکاتب به آتش کشیده میشوند. فساد اداری جاری است، اصل شایسته سالاری وجود ندارد، اداره خدمات ملکی در نصب افراد وابسته به مسولین آن اداره تلاش می نماید، نارضایتی وجود دارد که همه ارگان ها از آن سخن میزنند، قاچاق مواد مخدر به سرعت مافوق صوت در حرکت است، مسولین ترافیک مواد مخدر و منفعت بران، قرار اظهار وزیر داخله افغانستان که اعلام کرده بود برخی والیان و فرماندهان پولیس در ولایات کشور از مقام های خود سوء استفاده می کنند. اکثراً روسا نهاد های تحصیلی کشور در جذب افراد وابسته به قوم شان در تلاش هستند. در نهاد های تحصیلی کیفیت خیلی پائین است که باعث کم سواد شدن و بی سواد ماندن اولاد وطن شده. نظم اصلاً وجود ندارد، شعار به حد زیاد است که تمام برنامه های رسانه ها را احتوا نموده، فقر و بیکاری از مشکلات اساسی اند که هر روز کشور را به بحران خطرناکتری مواجه می سازد.

ضعف در مدیریت و رهبری، از دشواری های جدی «حکومت داری خوب»، به حساب می آید. در این مدت، کنفرانس های بین المللی در پاریس، هاگ و لندن راه اندازی شدند. در هر سه کنفرانس، تعهدات جامعه جهانی پیرامون افغانستان، بازنگری شد و وعده های بیشتر همکاری به افغانستان ارائه گردید. در کنفرانس پاریس، بر نقش شفافیت تاکید زیادی صورت گرفت؛ حتی گفته شد، که ادامه کمک های جامعه جهانی، مشروط به شفافیت و حسابدهی دولت افغانستان خواهد بود؛ اما، با وجود این تاکیدها، تغییرات خاصی اتفاق نیافتاد.

حالا پرسش اساسی در اینجا است که بن اول با همه این لغزشها و مشکلات نتوانست صلح و امنیت را به افغانستان بآورد، و نه تنها گروه های ناراضی از دولت افغانستان دست از سلاح برنداشتند بلکه روزتا روز به تعداد ناراضیان افزوده می شود. بن دوم چه دردی را دوا خواهد کرد و مردم مظلوم افغانستان صاحب کشور با ثبات خواهد شد؟ آیا صلح به افغانستان بر خواهد گشت؟ آیا دیگر نیروهای بین المللی مردم بیچاره را در حملات شبانه شان بشکل مظلومانه شهید نخواهد ساخت؟ چه تضمینی وجود دارد؟ این ها و صدها و هزاران پرسش دیگری که در ذهن مردم کشور لاجواب باقی مانده است و گذشت زمان حقیقت مسأله را ثابت خواهد ساخت.

در آستانه برگزاری کنفرانس بن دوم دولت پاکستان که نقش محوری را در صلح و امنیت منطوقی دارد از حضور در این کنفرانس خوداری کرد و گفته میشد که تحریم بن دوم از سوی دولت پاکستان بهانه ای برای باج گیری از غرب بوده است و حالانکه بن دوم روز گذشته با افتتاحیه حامد کرزی رئیس جمهور کشور، بانک مونسرمنشی سازمان ملل متحد و اندر امیرکل صدراعظم آلمان آغاز گردید. خالد رحمان صاحب نظر پاکستانی قطع رابطه با پاکستان را برای امریکا خطرناک خوانده گفت: «قطع رابطه با پاکستان جنگ ده ساله افغانستان را نا کام خواهد ساخت». در همین حال صدر اعظم آلمان چند لحظه قبل از شروع کنفرانس بن دوم گفت: «صلح در افغانستان، صلح در منطقه است. آنچه در کنفرانس بن دوم فیصله خواهد شد به نفع منطقه خواهد بود». نمی دانم که گفته های صدر اعظم آلمان تا چه اندازه تحقق خواهد یافت؟ زیرا عدم حضور پاکستان در این کنفرانس مخالفت مستقیم آن دولت با صلح در افغانستان است همانطوریکه یک افغانستان با ثبات به نفع پاکستان و شرکای آن نیست.

امروز دولت پاکستان یک بار دیگر با راه انداز حمله انتحاری در شهر های کابل، مزار شریف و قندهار که صدها افغان بیگانه را به خاک و خون کشانید، قدرت نمایی خود را به دولت افغانستان و شرکای جهانی آن نشان داد که پاکستان از پایه های اساسی بی ثباتی در افغانستان می باشد و اکثراً حملات انتحاری و نا امنی ها از سوی آن کشور در افغانستان به راه انداخته می شود.

پایان